

گزیده اشعار

گل های یک روزه

کوئون
Ko Ūn

مانا آقایی
رباب محب

گل‌های یک‌روزه

سرشناسه: کو. نون. ۱۹۳۳ - م.

Ko, Un, 1933-

عنوان و نام پدیدآور: گل‌های یک‌روزه / گزیده‌ی اشعار کو نون؛ ترجمه‌ی مانا آقای - رباب محب.

مشخصات نشر: تهران: نشر سیب‌سرخ، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.

شابک: ۸ - ۷۶ - ۷۳۴۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر کره‌ای - - قرن ۲۰ م. - - ترجمه شده به فارسی

شناسه افزوده: آقای، مانا، ۱۳۵۲ - مترجم

شناسه افزوده: محب، رباب، ۱۳۳۲ - مترجم

رده بندی کنگره: ۹۹۲/۶ PLK ۹۷۸.۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۷۵ ۸۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۷۵۷۵

ترجمه‌ی مانا آقایی - رباب محب

گل‌های یک‌روزه

گزیده‌ی اشعار کوئون



نشر سب سبز

تعداد: ۱۳۹۸

گل‌های یک‌روزه

(گزیده‌ی اشعار کوئون)

مانا آقایی - رباب محب

صفحه‌آرایی: رقیه قنبری تقدیس

ویراستار: محمدرضا مردانیان

طراح جلد: سارنگ مؤید

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ تهرانی

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۸-۷۶-۷۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸

«این مجموعه با اطلاع و اجازه‌ی صاحب اثر ترجمه شده است»

نشر سیب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳

۶۶۹۷۲۹۷۶ ۶۶۹۷۳۱۸۳

www.nashresibesorkh.ir



شناخت‌نامه‌ی شاعر

کونون در یکم اوت ۱۹۳۳ میلادی، در کره‌ی جنوبی در روستایی که اکنون جزو شهر کونسان^۱ است در یک خانواده‌ی دهقانی چشم به جهان گشود. دوران کودکی کونون، از معضلات سیاسی و مصائب ناشی از آن رنگ پذیرفت؛ کره در تصرف نیروهای ژاپن و فرهنگ کره‌ای تحت سلطه و سرکوب خصمانه‌ی ژاپنی‌ها قرار گرفت. کونون، سواد خواندن و نوشتن به زبان مادری را در خانه و تاریخ کشورش را شفاهاً از پدر بزرگش آموخت و از عنفوان کودکی ادبیات کلاسیک چین را پیگیرانه دنبال کرد. دوازده ساله بود که روزی در خیابان، مجموعه‌ای از شاعر عشایری مبتلا به جذام، هان هانون^۲ را پیدا کرد و با شعر آشنا شد.

با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، شبه جزیره‌ی کره به دو قسمت شمالی و جنوبی که یکی تحت کنترل شوروی و دیگری تحت سیطره‌ی آمریکا بود، تقسیم شد. حاصل جنگ ویرانگر سه ساله، همانا جدایی ملتی واحد و همزبان و قربانی شدن میلیون‌ها انسان بی‌گناه بود. کونون هفده ساله ناگزیر تحصیلات دبیرستانی را رها کرد تا به ارتش بپیوندد و در پی آن، دو سال تمام شاهد جنگ و عواقب آن، قتل عام‌های وحشیانه و

1. Kunsan

2. Han Ha-un

تجاوزهای هولناک شد. از دست دادن بسیاری از خویشاوندان و دوستان به روح لطیف شاعر زخم‌های عمیقی وارد آورد و او را به دیدار با مرگ مشتاق کرد. آشفتگی‌های روحی و ویرانی‌های پیرامون، او را به لبه‌ی پرتگاه کشاند؛ پس در یکی از گوش‌های خود اسید ریخت و چند بار دست به خودکشی زد. مرگ، اما سر سازش نداشت. آن‌گاه به دامن معنویت پناه آورد و ده سال از عمرش را به دیرنشینی و مراقبه‌ی نشسته‌ی ذن و سپس پیاده‌روی‌های طولانی و مراقبه‌ی سیار در مناطق کوهستانی گذراند. روزی برقله‌ی کوهی نشسته بود که به ناگاه تصمیم گرفت شاعر شود. بدین روی عجیب نیست اگر در اغلب اشعار کونون با آیین سنت بودایی روبه‌رو شویم.

کونون در بیست و چهار سالگی اولین شعرش را در نخستین نشریه‌ی بودایی کره، که او خود به همراه راهبی دیگر بنیان نهاده بود، منتشر کرد. سه سال بعد سرپرست و مدرّس معبد چونگ دونگ شد و نخستین مجموعه شعرش به چاپ رسید. دیری نگذشت که شهره‌ی آفاق شد؛ حال او شاعری بود سرخورده از ظاهرگرایی و فساد درونی دستگاه و روحانیت بودائی که راهی نمی‌دید مگر استعفا نامه‌اش را علناً منتشر کند. البته یکی از دیگر دلایل مهم این کناره‌گیری، آگاهی او به این واقعیت بود که باید بین راهب و شاعر بودن نهایتاً یکی را برگزیند، چرا که هم‌زیستی این دو امری ست محال. کونون پس از ترک جامعه‌ی بودائیان و زندگی دیرنشینی، انزوا برگزید، در جزیره‌ی شیجو مدرسه‌ی خیره‌ای بنا نهاد و به تدریس زبان و هنر پرداخت. درون ناآرام شاعر و بی‌خوابی‌های سنگین، او را به دامان مشروبات الکلی انداخت و شعر مراقبه‌ای و تغزلی‌اش را به سمت نیهیلیسم سوق داد. چند سال بعد به سینول نقل مکان کرد و دوباره دست به یک خودکشی ناموفق زد. اما دست از سرودن نشست و دفاتر متعددی، از آن میان مجموعه‌ی «شعرهای لب دریا» (۱۹۶۶)، را به چاپ رساند که به شهرت بیشتر او انجامید.

زندگی کونون در آستانه‌ی چهل سالگی در مسیر تازه‌ای افتاد. شاعر فعالانه در جنبش آزادی‌طلبی مردم کشورش شرکت جست و پس از مدتی سخنگوی دوم «کمیته‌ی دفاع از حقوق بشر در کره» شد. کونون در این برهه از زمان به سرودن اشعار انقلابی و اجتماعی

روی آورد. این تحول فکری در دفاتر «در راه روستای مونوئی» (۱۹۷۴)، «در خلوت کوهستان» (۱۹۷۷) و «مسیر سپیده دم» (۱۹۷۸) نمود پیدا کرده است.

پیامد فعالیت های سیاسی شاعر، چهار دوره حبس، شکنجه و سرانجام محکومیت به سی سال زندان به اتهام خیانت شد. حکم سی ساله، پس از دو سال و نیم در یک عفو عمومی لغو شد. کونون پس از آزادی در سن پنجاه سالگی با سانگ والی، استاد ادبیات انگلیسی، ازدواج کرد و در شهر آسنونگ مستقر شد. این ازدواج شروع تازه ای در زندگی شاعر بود، که به گفته ی خود شاعر نقطه عطف زندگی او محسوب می شود؛ از این تاریخ آرام ترین و در عین حال شکوفاترین دوره ی زندگی خصوصی و ادبی کونون آغاز شد.

تا سال ۱۹۹۲ میلادی، کونون با نام مستعار قلم می زد. در این سال اسم او از فهرست سیاه حذف شد و ممنوعیت ترجمه ی آثارش لغو گردید. کونون یکی از پرکارترین شاعران معاصر و مطرح ترین چهره های ادبی کره ی جنوبی به شمار می رود که تاکنون حدود ۱۵۵ کتاب و از آن میان ۸۱ دفتر شعر منتشر کرده است. وی با جسارت و مهارتی بی نظیر، ژانرهای گوناگون ادبی همچون شعر، داستان، نمایشنامه، مقاله، خودزندگی نامه، سفرنامه و ترجمه ی آثار چینی کلاسیک و انواع سبک و سیاق شعری؛ مرثیه، شعر حماسی، شعر شبانی، شعر تاریخی و شعر ذن بودایی را تجربه و به کار می گیرد.

«مانین بو» (ده هزار زندگی) یکی از معروف ترین آثار کونون است. سرایش این اثر دنباله دار، که تا به امروز به سی مجلد رسیده، در دهه ی ۱۹۷۰ میلادی در زندان آغاز شده است. در این اثر، کونون سرنوشت ده هزار انسان واقعی را به تصویر می کشد و برای هر فرد، شعری درخور می سراید. این افراد یا شخصیت های تاریخی ای هستند که او در کتاب ها خوانده، یا انسان هایی که در طول زندگی شخصاً ملاقات کرده است. به گفته ی کونون، هدف از این کار نشان دادن ارزش و اهمیت برابر انسان ها و مخلوقات است. شاعر اغلب و عامدانه به ترسیم چهره های متفاوتی چون مطرودین، گدایان، کودکان یتیم، بی خانمان ها، سربازان جنگی و حتی حیوانات می پردازد. به این اثر شعر «تاریخ انسانی» لقب داده اند. منتقدان از «مانین بو» بعنوان یک نقاشی بزرگ دیواری از مردم یاد می کنند.

بسیاری از آثار کو نون به زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه و اسم او بارها در لیست نامزدهای جایزه ادبی نوبل قید شده است. اعطای جوایز ادبی معتبر و متعددی چون «جایزه‌ی ادبی گریفین»^۱ (۲۰۰۸)، «جایزه‌ی ادبی آمریکا»^۲ (۲۰۱۱) و «جایزه‌ی حلقه‌ی طلایی»^۳ (۲۰۱۴) نام کو نون را در کنار نام‌هایی چون پابلو نرودا، توماس ترانسترومر و شیموس هینی قرار داده است. کو نون از سال ۱۹۹۴ در دانشگاه ملی سنول، به عنوان استاد میهمان به تدریس ادبیات و شعر مشغول بوده و طی دوره‌هایی نیز در دانشگاه‌های هاروارد و برکلی آمریکا به عنوان پژوهشگر فعالیت داشته است.

منتقدان، قلم کو نون را به یک «انفجار بزرگ شاعرانه» و نیروی تولیدش را به «آتشفشان» تشبیه کرده‌اند. از او بسیار نوشته و می‌نویسند، که شعورش برخاسته از دم جادویی اوست؛ «به گمانم کو نون پیش از آن‌که شعرهایش را روی کاغذ بنویسد، آن‌ها را نفس می‌کشد. شعر او بیشتر برخاسته از دم جادویی اوست تا از مدادش». آلن گینزبرگ^۴، شاعر مشهور نسل بیت نیز در وصف او می‌گوید: «کو نون بودهی سوانای شعر کره است که شیطان اهرم اوست. شاعری سرشار، بی‌نهایت پرثمر و یک‌سره اسیر کار آفرینش شاعرانه. آن‌چنان شکوهمند که گویی او جمع مجموعی ست از یک هنرشناس ریزین بودایی، یک آزادی‌خواه پرشور سیاسی و یک تاریخدان فطری».

شعر کو نون به نحوی یادآور فلسفه‌ی دیوژن است. گویند روزی اسکندر مقدونی به دیدار دیوژن^۵ فیلسوف می‌رود و از او می‌پرسد: آیا به چیزی نیاز داری؟ دیوژن در پاسخ می‌گوید: «بله، خواهش می‌کنم از جلوی آفتاب من کنار برو». دیوژن به مادیات بی‌اعتناست. از تعلقات دنیوی تنها یک عصا، یک بالاپوش و یک کوزه دارد. برای امرار معاش، دانش و حکمت خود را با قرص نانی معاوضه می‌کند. شعر کو نون نیز خواننده را دعوت به ساده‌زیستی می‌کند، بی‌آن‌که شعار دهد یا حتی از ساده‌زیستی دم بزند. البته

1. Griffin Poetry Prize

2. America Award in Literature

3. Golden Wreath Award

4. Allen Ginsberg

۵. دیوژن یا دیوجانس کلبی (حدود ۴۱۲-۳۲۲ ق. م.) در سینوپ در آسیای صغیر زاده شد. او در جوانی به آن رفت و به تحصیل فلسفه پرداخت. وی از مبلغین ساده‌زیستی بود. به‌طوری‌که گفته می‌شود، حکایات زیادی، نشان‌دهنده‌ی ستایش او از زندگی به شیوه سگ (کلب) است.

بی‌اعتنایی به مقامات دنیوی و افتخارات زمانه، نزد کو‌نون، از آن خمیرمایه نیست که نزد دیوژن. می‌دانیم که سلاح دیوژن طنز گزنده‌ی اوست، درحالی‌که سخن کو‌نون، به‌سان رودی آرام، به‌نرمی از دشت‌ها و اقلیم‌های دور و نزدیک می‌گذرد و زشتی‌ها و شرارت‌ها را با جوهر مهربانی می‌شوید.

کو‌نون، ترسیم‌گر زندگی متزلزل و بی‌ثبات است؛ زندگی‌ای که هزار رنگ دارد و دالان‌های هزارتو. اما او هنگام ترسیم فراز و نشیب‌های زندگی تنها با استفاده از چند هاشور ساده، مفاهیمی ژرف را پیش روی خواننده می‌گذارد. اندوه و مرگ به شکل جدایی‌ناپذیری با زندگی توأم است. شاید از همین روست که این دو عنصر نیز حضوری رسا و گویا در شعر کو‌نون دارند. اندوه، به‌سان نسیم خنکی بر پیکره‌ی کلماتش می‌وزد، نسیمی که با خود، هوشیاری نیز به ارمغان می‌آورد. کو‌نون، خود در این‌باره می‌گوید: «بیچاره آن شاعری که هرگز مرثیه‌ای برای کسی ننوشته است» یا «زنده باد فناپذیری مقدّس». اما این بدان معنا نیست که شاعر، خود و خواننده‌ی خود را از زندگی مأیوس کند. مرگ در این اشعار نه بر پایه‌ی ترس که بر یقین زیبایی‌شناسانه و فلسفی استوار است. از دیگر ویژگی‌های شعر کو‌نون، زبان پرورش‌یافته‌ی عاطفی اوست که بارقه‌هایی از اضطراب شاعر را به نمایش می‌گذارد. تنهایی، یکی دیگر از مضامین شعر اوست؛ اینجا او تصاویری زیبا و ساده به دست می‌دهد که در نوع خود بی‌نظیر است. شاعر، گاه تنها با تکرار چند واژه، سکوتی در شعر برپا می‌کند که از هر کلامی گویاتر است.

ویکتور مالم^۱، منتقد سوئدی، می‌گوید: «خطا نگفته‌ایم اگر کو‌نون را شاعر خرد و حکمت بنامیم. شعر کو‌نون تسلا بخش است. خوب است سطری از اشعار او را بر در یخچال چسباند و در مصائب و سختی‌های زندگی از آن یاری جست».

آن لینگه‌برند^۲، منتقد دیگر سوئدی، در نقد کتاب «پروانه‌ی سفید» می‌نویسد: شعرهایی به سبک‌بالی یک پروانه.

1. Victor Malm

2. Ann Lingebrandt

در شعر کونون نوعی سادگی بی نظیر وجود دارد، مثل بال‌بال‌زدن اثیری یک پروانه‌ی سفید. اما به واقع شاعر به هر آنچه ساده و تُرد است با دیده‌ی بصیرت می‌نگرد؛ نسیم، ابر، پَر، شب‌نم، بادبان و حتی شست‌وشو، رخت و لباس و عمر کوتاه گل و شکوفه، نمادهایی‌ست از ماهیت گذرای زندگی. با تمام این احوال، همان‌طور که پیشتر اشاره شد، کونون شاعری نیست که شعرش از مسائل بغرنج و حساس روزگار عاری بماند. او، خود در باره‌ی شعرش می‌گوید: «شعر من در خرابه‌های جنگ کُره زاده شد» و در شعر «خرابه‌ها» از خود به عنوان آجری شکسته در خرابه‌ها یاد می‌کند: «در قلب من جنگ هرگز پایان نیافته است».

پَر بَری شَتِروم^۱ در مصاحبه‌ای که با کونون هشتاد و چهار ساله، میهمان افتخاری فستیوال شعر اسلورونی در شهر کوچک پتوج^۲، داشته از او می‌پرسد:

از شعر بگوئید؛ چطور شد به شعر روی آوردید؟

وقتی امروز به آن روز فکر می‌کنم به نظرم یک وحی می‌آید، اما آن‌روز هیچ معنایی نداشت. چند سال بعد جنگ آغاز گردید و مسائل دیگری محوری شد. کلمه دیگر معنایی نداشت.

آیا به نظرت این مسئله مهم نیست که تو شعر و کتاب را قبل از جنگ پیدا کرده‌ای؟

تصور می‌کنم همین‌طور باشد. مسلماً اگر من با شعر بعد از جنگ آشنا می‌شدم زندگی‌ام در مسیر دیگری قرار می‌گرفت.

آیا تجسم خانه‌ی زیبایی که روزی در کُره‌ی سال‌های گذشته، ساکنش بودی، سخت نیست؟

پس از جنگ ما دیگر نه آینده‌ای داشتیم نه صبحی. ما به ناگزیر می‌بایست از صفر شروع می‌کردیم، از صفر بدون گذشته. مجبور بودیم زنده بمانیم بدون هیچ پیشینه‌ای.

تو مکرراً به «نقطه‌ی صفر» اشاره می‌کنی، چرا؟

1. Per Bergström

2. Ptuj

آدمی، کمتر فرصت تجربه‌ی «هیج» یا «صفر» را پیدا می‌کند. و چه خوب که چنین است. «هیج» زمانی نمود پیدا می‌کند که جنگی وحشتناک یا فاجعه‌ای عظیم را تجربه کرده باشی. من در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۳ جنگ کُره را تجربه کردم و من جوانم عمیقاً زخم خورد و تحقیر شد. من زنده ماندم، اما بسیاری جان خود را از کف دادند، و رابطه‌ی من با آن‌ها قطع شد. آخرین چیز باقی مانده از آن‌ها آخرین تعلقات من شد. و آن «هیج» است. تو دیگر وجود نداری. تاریخ تو را زدوده است. تاریخ بذر تردید می‌باشد؛ آیا واقعاً من پسرِ پدرم هستم، نوه‌ی مادر بزرگم... من شدیداً احساس پوچی و خلاء می‌کردم. پس تجسّم «هیج» در این رابطه یعنی «تاریخی» که من در آن زیستم. پای صحبت تاریخ به میان آمد و به خاطر آوردم که در مصاحبه‌ای گفته‌ای؛ شعر موسیقی تاریخ است.

به زودی سی سال می‌شود که این حرف را زده‌ام. اگر امروز این پرسش را از من بپرسی چندان مطمئن نیستم که همان پاسخ را بدهم. دلم می‌خواهد از تاریخ رها باشم، اما این ممکن نیست، بین ما پیوندی هست. در عین حال آدمی باید سعی کند از گذشته بگند؛ به خاطر ملاقات در مکانی دیگر، مکانی نو. و شعر معبر موسیقی است.

پایانه

حدود هشت سال پیش، مانا آقایی با شعر کونون به زبان سوندی آشنا شد. دو سال بعد، در تماس با شاعر و کسب اجازه، مصمم به ترجمه‌ی گزیده‌ای از آثار او شد. این روند ادامه داشت تا سال گذشته که فکر، جامه‌ی عمل به خود پوشاند. حادثه راه را هموار ساخت؛ مانا آقایی در نشستی با رباب محب به علاقه‌اش به شعر کونون پی برد و به او پیشنهاد همکاری داد. در نشستی دیگر، شعر و ماهیت شعر کونون به بحث گذاشته شد که قسمتی از آن بحث در مقدمه آمده است. سپس از سه دفتر شعر کونون، هشتاد و دو شعر انتخاب شد و هر یک از مترجمان، برگردان نیمی از اشعار را بر عهده گرفت. دیدارهای بعدی به پرداخت ترجمه‌های خام اختصاص یافت.

اشعار کتابی که در دست دارید از زبان سوندی به فارسی برگردانده شده که منتخبی ست از مجموعه‌های «پروانه‌ی سفید»^۱، «راه، را از نور ماه پرس»^۲ و «گلی وقت»^۳ به ترجمه‌ی سون کیونگ چوی، بیونگ اینون چوی، گونار بری ستروم، اینجا هان و تومی اولفسون.

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۷ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۸

1. "Vit fjärl" (2017), Atlantis Förlag. Översättning av Sun-Kyoung Choi

2. "Fråga mänskenet om vägen" (2002), Heidruns Förlag. Översättning av Byung Eun Choi och K. Gunnar Bergström

3. "Stundens blomma" (2016), Atlantis Förlag. Översättning av Inja Han och Tommy Olofsson

روح

سوسک‌هایی طلایی

شب‌پره

جیرجیرک‌هایی سبز بودیم

سخت در پی شکار نور

از نوزاده شدگانی با دندان‌های شیری

امواج خروشان یک شب بی‌خوابی

آن‌روزها

من و تو

یک پاسخ

آی کودک
این گل نیست
این پروانه نیست
و من من نیز تنها یک سایه‌ام
سایه‌ای از گذشته‌ها
برآنی چه کنی برآتم چه کنم

پروانه‌ی سفید

نگاه کن

پروانه‌ای سفید

شیخ خرد

بر فراز دریای دیوانه بال بال می‌زند

کتاب‌های جهان جملگی بسته

آوازی در پنج سطر

چشم که می‌گشایم گل‌ها می‌شکفند

چشم که می‌بندم باران می‌بارد

نفس که می‌کشم پرندگان چهچه می‌زنند

چون می‌میرم برف می‌بارد

خدانگهدار